



دانشگاه شاهرود
په

جغرافیای انسانی ایران ۱

(جمعیت - اقتصاد)

(رشته جغرافیا)

دکتر سهراب عسگری دکتر رحمت الله بهرامی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

نه	مقدمه
۱	بخش اول: جغرافیای جمعیت
۱	فصل اول: جغرافیای جمعیت ایران و ویژگی‌های آن
۴	۱-۱. تعریف جغرافیای انسانی
۵	۲-۱. جغرافیای جمعیت
۸	۳-۱. موقعیت و مشخصات طبیعی ایران
۸	۱-۳-۱. موقع جغرافیایی
۸	۲-۳-۱. تقسیمات اداری- سیاسی کشور
۱۱	۳-۳-۱. تقسیمات ناحیه‌ای ایران
۲۱	۴-۱. عوامل مؤثر در پراکندگی جمعیت ایران
۲۲	۱-۴-۱. عوامل طبیعی
۲۴	۲-۴-۱. عوامل اقتصادی
۲۶	۳-۴-۱. عوامل اجتماعی
۲۷	۴-۴-۱. عوامل اداری و سیاسی
۲۷	۵-۱. توزیع منطقه‌ای جمعیت ایران
۲۸	۱-۵-۱. مناطق تراکم
۲۹	۲-۵-۱. مناطق با تراکم متوسط

- ۲۹ ۳-۵-۱. مناطق با تراکم کم و خیلی کم
- ۳۲ ۶-۱. ترکیب جنسی جمعیت ایران
- ۳۴ ۱-۶-۱. نسبت جنسی در گروه‌های مختلف سنی
- ۳۵ ۷-۱. ترکیب سنی جمعیت ایران
- ۳۸ ۸-۱. روند رشد جمعیت کشور طی پنج دهه گذشته
- ۴۴ ۹-۱. مهاجرت در کشور و خصوصیات آن
- ۴۵ ۱-۹-۱. استان‌های مهاجرپذیر و استان‌های مهاجرفرست
- ۴۶ ۲-۹-۱. عوامل و انگیزه‌های مهاجرت از روستا به شهر
- ۴۹ ۳-۹-۱. روند شهرنشینی و پدیده مهاجرت
- ۵۱ ۱۰-۱. سواد و وضعیت آن در کشور
- ۵۳ ۱۱-۱. ترکیب شغلی جمعیت کشور
- ۵۴ ۱-۱۱-۱. جمعیت فعال اقتصادی
- ۵۶ ۲-۱۱-۱. نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت)
- ۵۶ ۳-۱۱-۱. نرخ مشارکت اقتصادی در گروه‌های عمده
- ۵۶ ۴-۱۱-۱. شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در بخش‌های عمده فعالیت اقتصادی
- ۵۷ ۵-۱۱-۱. نرخ بیکاری در گروه‌های عمده سنی
- ۵۸ ۱۲-۱. توان‌های محیطی کشور و تأثیر آن در سیاست‌های جمعیتی

۶۱ بخش دوم: جغرافیای اقتصادی

۶۳ فصل دوم: جغرافیای کشاورزی ایران

۶۴ مقدمه

- ۶۵ ۱-۲. اهمیت جغرافیای اقتصادی ایران با تأکید بر بخش کشاورزی
- ۶۶ ۱-۱-۲. اهمیت بخش کشاورزی در ایران
- ۶۷ ۲-۱-۲. جایگاه بخش کشاورزی در برنامه‌های عمرانی و توسعه کشور
- ۶۹ ۲-۲. ویژگی‌ها و توان‌های محیطی ایران از نظر جغرافیای اقتصادی
- ۶۹ ۱-۲-۲. اقلیم
- ۷۳ ۲-۲-۲. نگاهی اجمالی به منابع آب کشور
- ۷۸ ۳-۲-۲. خاک
- ۷۹ ۴-۲-۲. مراتع ایران
- ۸۲ ۵-۲-۲. جنگل‌های شمال ایران
- ۸۲ ۶-۲-۲. جنگل‌های زاگرس
- ۸۴ ۳-۲. جغرافیای کشاورزی ایران

۸۴	۲-۳-۱. سابقه کشاورزی در ایران
۸۸	۲-۳-۲. ساخت زراعی ایران
۹۲	۲-۳-۳. تولیدات کشاورزی ایران
۱۰۵	۲-۴. قطب‌های کشاورزی کشور و مسائل آنها
۱۱۱	۲-۵. آینده بخش کشاورزی
۱۱۱	۲-۵-۱. توسعه کشاورزی و رشد جمعیت
۱۱۳	۲-۵-۲. تنگنای بخش کشاورزی
۱۱۵	۲-۵-۳. اقدامات اساسی برای بهبود بخش کشاورزی

۱۲۳ فصل سوم: جغرافیای صنعتی ایران

۱۲۴	۳-۱. تاریخچه صنعت در ایران
۱۳۱	۳-۲. صنایع استخراجی
۱۳۲	۳-۲-۱. صنعت نفت و گاز کشور
۱۳۵	۳-۲-۲. صنعت آهن، فولاد، آلومینیوم و مس
۱۳۷	۳-۳. صنایع کارخانه‌ای
۱۳۹	۳-۳-۱. صنایع غذایی
۱۴۰	۳-۳-۲. صنایع نساجی، پوشاک و چرم
۱۴۱	۳-۳-۳. کاغذ و چوب
۱۴۲	۳-۳-۴. صنایع شیمیایی، نفت، لاستیک و پلاستیک
۱۴۳	۳-۳-۵. صنایع فلزی اساسی
۱۴۴	۳-۳-۶. صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزار
۱۴۴	۳-۴. صنایع دستی و روستایی
۱۴۵	۳-۴-۱. طبقه‌بندی صنایع دستی و روستایی ایران
۱۴۶	۳-۴-۲. توزیع جغرافیایی صنایع دستی و روستایی در استان‌های کشور
۱۴۷	۳-۵. قطب‌های صنعتی و مسائل آن در ایران
۱۴۹	۳-۵-۱. صنایع و آلودگی هوا
۱۵۰	۳-۵-۱. صنایع و آلودگی آب
۱۵۲	۳-۶. آینده بخش صنعت در ایران

۱۵۵ فصل چهارم: جغرافیای انرژی و حمل و نقل کشور

۱۵۵	۴-۱. نگاهی گذرا به تاریخ صنعت نفت ایران
۱۵۷	۴-۲. اهمیت راهبردی منابع نفت و گاز

۱۵۹	۳-۴. راهبردهای بلندمدت نفت و گاز ایران
۱۶۱	۴-۴. چالش‌های بخش انرژی
۱۶۲	۵-۴. جغرافیای حمل و نقل ایران
۱۶۳	۶-۴. توزیع جغرافیایی حمل و نقل کشور
۱۶۳	۴-۶-۱. راه‌های جاده‌ای
۱۶۴	۴-۶-۲. راه‌آهن
۱۶۸	۴-۶-۳. حمل و نقل دریایی
۱۶۹	۴-۶-۴. حمل و نقل هوایی

۱۷۱	منابع و مآخذ
-----	--------------

مقدمه

امروزه تحولات اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی با سرعت زیادی در جوامع انسانی به وقوع می‌پیوندد. گستره این تحولات بسیار وسیع بوده و البته از انرژی زیادی نیز برخوردار می‌باشند. بدون شک برای تبیین بهتر چنین تحولاتی باید از علومی کمک گرفت که از قدرت تحلیل بالایی برخوردار بوده و توان تشریح روابط را دارا باشند. چنین امری تحول در امور را هم الزامی می‌نماید و در نتیجه با علوم قدیمی نمی‌توان به تبیین تحولات جدید پرداخت. جغرافیا از جمله اموری است که دچار تحولات مثبت و چشمگیری شده و نسبت به جغرافیای چند دهه قبل پیشرفت زیادی کرده و با وقوع تحولات اقتصادی و اجتماعی، جنبه های تحلیلی و کاربردی قابل توجهی به خود گرفته است.

جغرافیا در مفهوم بسیار ساده و سنتی خود علم تشریح روابط متقابل انسان و طبیعت است اما چون روابط انسان و طبیعت از شکل نخستین خود خارج شده و اشکال پیچیده‌ای به خود گرفته در نتیجه جغرافیای نوین، جغرافیای عمقی‌نگر و تا حدی پیچیده است.

علوم جغرافیایی به خاطر تبیین روابط دو جزء اصلی زندگی، انسان (در حدود ۶/۷ میلیارد نفر) و طبیعت (۵۱۰ میلیون کیلومتر مربع کره زمین و همه دارایی‌هایش) از اهمیت زیادی برخوردارند و البته باید کارآمدی خود را افزون نمایند تا ضمن ارائه تصویری کاملاً روشن از این روابط شکل بهینه آن را پیشنهاد بدهند و نوع بشر و طبیعت را از فجایع زیست محیطی که در حال وقوع هستند و در صورت تداوم به

بحران تبدیل خواهند شد آگاه نموده و برای اصلاح آنها راه حل ارائه بدهند. اگر چه همه علوم می‌توانند در جلوگیری از این فجایع و بحران‌ها نقش داشته باشند ولی نقش جغرافیا در این زمینه بسیار پر اهمیت است و به‌هیچ‌وجه نباید از وظیفه خود دور شود. جغرافیا تنها علمی است که از رابطه صرف نوع بشر و طبیعت بحث می‌کند و در نتیجه بهتر از دیگر علوم می‌تواند هشدارهای لازم را ارائه دهد و تصویر فردا را در دو شکل مطلوب و نامطلوب ترسیم نماید و در سرنوشت نوع بشر نقش داشته باشد.

در جغرافیای انسانی به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی جغرافیا، جمعیت و اقتصاد دارای یک رابطه متقابل و دو جانبه می‌باشند. جمعیتی که دارای سواد باشد و از نارسایی‌های اقتصادی و اجتماعی رنج نبرد و در نتیجه از ثبات برخوردار باشد، انگیزه کافی برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت و می‌تواند در توسعه رفاه اقتصادی و اجتماعی سهمیم بوده در دستیابی کشور به تعالی نقش مهمی داشته باشد. در سایه چنین رابطه‌ای است که ضریب وقوع بحران‌های انسانی، اقتصادی و حتی زیست محیطی به حداقل می‌رسد، رسیدن به این مرحله یک امر محال نیست، مخصوصاً برای کشوری چون ایران که از امکانات خدادادی و بسیار بزرگ برخوردار است. اما سؤالی که مطرح می‌باشد این است که چرا با وجود این همه امکانات هنوز نتوانسته‌ایم به حداقل‌های مطلوب دست یابیم درحالی‌که بسیاری از کشورها علی‌رغم دارا نبودن امکانات و منابعی مانند ما توانسته‌اند رشد کرده و به حداقل‌های مطلوب دست یابند.

در بررسی نخست، موضوع مدیریت صحیح و علمی مطرح می‌شود. آنچه مسلم است هیچ کشوری بدون داشتن نظام مدیریتی قوی که از سلاقی شخصی منها باشد و براساس برنامه و نظم کارشناسی شده حرکت کند، نمی‌تواند به توسعه دست یابد. دستیابی به توسعه همه‌جانبه نیازمند برنامه‌ریزی علمی و اجرای دقیق آن و پرهیز از مسائل سیاسی، سلیقه‌ای و جناحی می‌باشد. ضمن اینکه باید توجه داشت منافع ملی در برنامه‌ریزی کلان و ملی جایگاهی فراتر از تمام منافع را دارا است و تحصیل آن به‌هیچ‌وجه نباید به فراموشی سپرده شود.

کتاب جغرافیای انسانی ایران (۱) جمعیت و اقتصاد، که هم اکنون به چاپ رسیده و در اختیار شماست شامل دو بخش و چهار فصل می‌باشد. در بخش و فصل اول

مسائل جمعیتی کشور مورد بررسی قرار گرفته و تلاش گردیده این مسائل با ویژگی‌های مهم آن مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. بخش دوم شامل سه فصل است. فصل دوم مسائل کشاورزی را بررسی می‌کند. فصل سوم به مباحث جغرافیای صنعتی می‌پردازد. در فصل چهارم نیز جغرافیای انرژی و حمل و نقل کشور مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. با تمام تلاش‌های صورت گرفته به طور حتم این کتاب دارای کاستی‌ها و نواقصی است که یادآوری آنها ما را در بهبود کیفیت کتاب در چاپ‌های بعدی یاری خواهد کرد. انعکاس نظرات ارزشمندتان را از ما دریغ نفرمائید.

دکتر سهراب عسگری - دکتر رحمت الله بهرامی

هدف‌های کلی

هدف کلی درس در این کتاب آشنایی با جغرافیای اقتصادی ایران از نقطه نظر جمعیتی و اقتصادی است. برای دستیابی به هدف کلی، هدف‌های مرحله‌ای زیر را دنبال نمایید.

۱. آشنایی با جغرافیای جمعیت و تقسیمات آن
۲. آشنایی با جغرافیای جمعیت ایران و عوامل مؤثر در آن
۳. آشنایی با توان‌های محیطی کشور و تأثیر آن در سیاست‌های جمعیتی کلان
۴. آشنایی با جغرافیای کشاورزی ایران و مسائل آن
۵. آشنایی با قطب‌های کشاورزی کشور
۶. آشنایی با جغرافیای صنعتی ایران
۷. آشنایی با قطب‌های صنعتی و مسائل آنها
۸. آشنایی با مسائل انرژی به‌ویژه نفت
۹. آشنایی با جغرافیای حمل و نقل کشور

بخش اول

جغرافیای جمعیت

فصل اول

جغرافیای جمعیت ایران و ویژگی‌های آن

هدف مرحله‌ای

در این فصل سعی عمده بر این خواهد بود تعریفی از جغرافیای انسانی و تقسیمات آن ارائه گردد و همین‌طور سیر تکوینی دانش جغرافیای جمعیت، موقعیت جغرافیایی ایران و تقسیمات جغرافیایی کشور براساس توزیع جمعیت مورد مطالعه قرار گیرد. در ادامه با ترکیب جنسی، سنی، ساختمان شغلی، روند افزایش جمعیت و وضع مهاجرت در ایران آشنا خواهید شد.

هدف‌های آموزشی - رفتاری فصل اول

- پس از مطالعه این فصل، دانشجویان باید بتوانند:
- جغرافیای جمعیت را تعریف و تقسیمات جغرافیای انسانی را ارائه نمایند.
 - کشور را از نظر تراکم جمعیتی به مناطق مختلف تقسیم نمایند.
 - سیر تکوینی جغرافیای جمعیت را توضیح دهند.
 - عوامل موثر (طبیعی و انسانی) در پراکندگی جمعیت را تشریح نمایند.
 - ترکیب سنی و جنسی جمعیت ایران را شرح دهند.
 - مهاجرت را توضیح داده و استان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست را مشخص نمایند.

۱-۱. تعریف جغرافیای انسانی

جغرافیای انسانی عبارت است از مطالعه شیوه زندگی انسان و ویژگی‌های آن در محیط‌های طبیعی. به عبارت دیگر قلمرو جغرافیای انسانی بررسی ارتباط بین محیط طبیعی با گروه‌های انسانی است. این گروه‌ها در محیط‌های جغرافیایی پدیده‌های طبیعی را مشاهده کرده، درک می‌نمایند. و در مواردی نسبت به محتوا و ماهیت آنها عکس‌العمل نشان داده، زندگی خود را با آن شرایط انطباق می‌دهند.

به هنگام مطالعه جغرافیای انسانی از یک طرف محیط طبیعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد از طرف دیگر شیوه زندگی انسانی بررسی می‌شود. در مطالعه محیط طبیعی از علوم طبیعی مانند اقلیم‌شناسی، خاک‌شناسی، زمین‌شناسی و.. کمک گرفته و در مطالعه زندگی انسان نیز از علوم انسانی مانند علوم اجتماعی، اقتصاد، تاریخ و.. بهره می‌گیریم. به طور کلی جغرافیای انسانی یکی از تقسیمات اصلی علم جغرافیاست و تأکید آن بر روابط انسان‌ها با همدیگر و با طبیعت می‌باشد. یعنی آنکه مردم در کجا قرار گرفته‌اند، به چه صورتی در یک فضای جغرافیایی عملکرد متقابل دارند و بالاخره چگونه انواع چشم‌اندازها را ایجاد می‌نمایند. محتوای جغرافیای انسانی برای سایر علوم اجتماعی به صورت مکمل ظاهر می‌شود زیرا جغرافیای انسانی به آن علوم، نقطه‌نظرهای لازم از دیدگاه فضایی و سیستماتیک را که آن علوم فاقد آن هستند، ارائه می‌نماید.

جغرافیای انسانی به عنوان یک رویکرد جامع در مجموعه علوم جغرافیایی دارای تقسیمات چندی است. البته در مفهوم عام، جغرافیا علم مطالعه رابطه انسان و طبیعت است اما در مفهوم خاص به خاطر تخصصی شدن علوم و تأکید بر آزمایشگاهی مطالعات جدید علمی و پرهیز از کلی‌گویی از یک سو و ویژگی‌های جوامع انسانی و نیاز به مطالعه دقیق آنها از سوی دیگر تقسیم جغرافیای انسانی به تقسیمات زیر را توجیه می‌کند این تقسیمات عبارت‌اند از: جغرافیای سیاسی، جغرافیای شهری، جغرافیای روستایی، جغرافیای جمعیت، جغرافیای اقتصادی و جغرافیای فرهنگی. تحقق جداگانه هر یک از این زیر تقسیمات جغرافیای انسانی یک مطالعه عمومی یا سیستماتیک محسوب می‌شود و به دلیل آنکه در یک موضوع تمرکز مطالعه قرار دارد به نام بررسی موضوعی نیز نامیده می‌شود (بهفروز، ۱۳۷۴، ص ۴).

۱-۲. جغرافیای جمعیت

جمعیت کشورها به‌طور پیوسته در حال تحول و جابه‌جایی می‌باشند. یک برنامه‌ریزی دقیق برای دستیابی به اهداف عالی هر کشور نیاز به اطلاعات دقیق جمعیتی دارد که از طریق انجام سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و ثبت احوال شهروندان آن کشور به‌دست می‌آید.

جغرافیای جمعیت به‌عنوان شاخه‌ای از جغرافیای انسانی وظیفه تحلیل و تجزیه فضایی- مکانی اطلاعات جمعیتی کشورها را دارد. اگرچه علوم دیگر چون جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی هم در این مقوله فعالیت می‌کنند ولی آنها در بازپیدایی دقیق روابط انسان با محیط و اثرات آنها بر همدیگر توانایی لازم را ندارند و تحلیل آنها عمدتاً تحلیل‌های یک‌جانبه می‌باشد و طبیعت با عناصرش را مورد توجه قرار نمی‌دهند. اما جغرافیای جمعیت از این توانایی برخوردار است که رابطه بین محیط طبیعی و توانایی‌های او را در زمینه تراکم و یا تفرق جمعیت توصیف و تحلیل نماید.

جغرافیای جمعیت از جغرافیای مکان‌ها تأثیر پذیرفته و به نوبه خود روی آنها اثر می‌گذارد. مجموعه‌ای از پدیده‌های جمعیتی به‌دلیل اینکه در داخل خود، الگوهای رفتاری خود را دنبال می‌کنند از نظر زمان و مکان متفاوت بوده، بر یکدیگر و بر بسیاری از پدیده‌های غیرجمعیتی اثر متقابل دارند. جغرافیدان جمعیت، جنبه‌های فضایی جمعیت را در مورد طبیعت به هم پیوسته مکان‌ها مطالعه می‌کند (زلینسکی، ۱۳۷۰، ص ۱۱).

صاحب‌نظران و دانشمندان جغرافیای جمعیت جنبه‌های ثابت و متغیر محیط‌های مختلف کره زمین را در دوره‌های گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهند. به‌عبارت دیگر وظیفه آنان برقراری ارتباط میان پدیده‌های طبیعی و چگونگی تجمعات انسانی می‌باشد. در این میان تأکید ویژه‌ای بر اثرات محیط طبیعی و جغرافیایی شده است و همین مسئله منجر به تمایز علم جغرافیا از جمعیت‌شناسی می‌شود (مهدوی، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

جغرافیای جمعیت به روشن‌ترین شکل آن در سال ۱۹۵۳ توسط گلن- تی- ترورتا که تحقیقاتش را بر روی انسان متمرکز ساخته و الگویی برای مطالعات جغرافیای جمعیت تهیه کرده بود، مطرح شد. وی معتقد است که تعداد، تراکم، کیفیات جمعیت، زمینه اساسی کلیه مطالعات جغرافیایی است و جمعیت نقطه عطفی است که از آن طریق سایر عناصر

جهان مورد توجه قرار می‌گیرند و همچنین این عناصر چه به تنهایی و چه به صورت مرکب، اهمیت و معنی خود را آشکار می‌سازند.

به‌طور کلی جغرافی‌دانان جمعیت در شناخت روابط موجود میان محیط طبیعی از یک‌سو و جمعیت از سوی دیگر تأکید دارند و می‌کوشند تا تجزیه و تحلیل این روابط که زمینه اصلی جغرافیای جمعیت را تشکیل می‌دهد، توجیه نمایند (مهدوی، ۱۳۷۷، ص ۱۷).

از بین پدیده‌های جغرافیایی، جمعیت برحسب صفات گوناگون خود نمایان‌ترین شخصیت کلی هر سرزمین است. جمعیت نقطه عطفی است که از آن تمام عناصر دیگر مشاهده می‌گردد و همه عناصر منفرداً و جمعاً از آن معنی پیدا می‌کنند. بنابراین جمعیت مهمترین عنصر اساسی و تحلیلی و متمایزکننده زمین و تشکیلات فضایی که موضوع اصلی علم جغرافیا است، می‌باشد (نظری، ۱۳۸۳، ص ۱۴).

سرشماری و آمارگیری در ایران

تمدن ایران بسیار کهن و البته غنی است. امپراتوری‌های بزرگ ایران در دوران خود دارای پیشرفته‌ترین دیوان حکومتی بودند. اگرچه چنین نبود اداره کشور بسیار پهناور ایران در آن زمان امکان‌پذیر نمی‌گشت. دیوانیان معمولاً افراد زبده و مورد اعتماد حکام بودند و تلاش می‌کردند وظایف خود مانند جمع‌آوری مالیات و گردآوری سپاه و... را به نحو احسن انجام دهند. برای انجام بهتر وظایف داشتن اطلاعات و آمار نسبتاً دقیق ضروری بود. به‌دست‌آوردن اطلاعات نسبتاً دقیق لزوم انجام سرشماری و آمارگیری را باعث می‌شد. برای نمونه، در نیمه اول قرن سوم میلادی و در دوره ساسانیان که مقارن با توسعه مرزهای سیاسی کشور بود (حکومت اردشیر بابکان) سرشماری عمومی انجام شد و جمعیت کشور حدود ۸۰ میلیون نفر برآورد گردید (مهدوی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳). بنابراین ایرانیان جزو اولین مردمانی بودند که به انجام سرشماری مبادرت ورزیدند. تمدن دیرپا و گسترده ایران، وجود دیوان حکومتی و سرشماری‌های مربوط به دریافت مالیات و غیره را ایجاب می‌نموده است.

در تاریخ معاصر هم اقداماتی برای کسب اطلاعات از وضع جمعیت و مسائل مربوطه انجام شد. در زمان قاجاریه تلاش‌های پراکنده‌ای برای شمارش جمعیت

صورت گرفت. این تلاش‌ها اغلب موردی بود و در برخی از شهرها انجام گرفت اما انجام سرشماری‌های علمی به دوره معاصر بازمی‌گردد.

پس از روی کارآمدن نظام مشروطه در ایران و تأسیس مجلس شورای ملی مجموعه اقداماتی برای سامان‌دادن به نظام اداری سیاسی کشور انجام شد. یکی از این اقدامات تأسیس اداره ثبت احوال بود. در سال ۱۲۹۷ به‌منظور ثبت وقایع چهارگانه تولد، وفات، ازدواج و طلاق اداره ثبت احوال کشور تأسیس گردید.

در سال ۱۳۰۳ خورشیدی با تصویب آئین‌نامه‌ای مسئولیت جمع‌آوری آمارهای مورد نیاز کشور به عهده وزارت کشور گذاشته شد تا ضمن جمع‌آوری اطلاعات و آمارهای مورد نیاز مرکزی هم در این زمینه پدید آمده باشد. مصوبه پیش گفته در سال ۱۳۰۷ از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و جنبه قانونی یافت. از آن زمان به بعد اداره ثبت احوال کشور به اداره کل آمار و ثبت احوال تغییر نام داد.

در سال ۱۳۱۸ اولین قانون سرشماری به تصویب رسید. در اجرای این قانون، سرشماری جمعیت از دهم اسفند ماه همان سال در تهران و در سال‌های ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ در ۳۳ شهر کشور به تدریج به اجرا درآمد ولی ادامه آن به علت وقوع اتفاقات شهریور ۱۳۲۰، شروع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین متوقف گردید.

در اسفند ماه ۱۳۳۱ سازمان همکاری آمار عمومی تشکیل شد و در سال ۱۳۳۲ قانون آمار و سرشماری به تصویب رسید. در این سال اداره آمار و سرشماری از اداره کل آمار و ثبت احوال منتزع شد و به سازمان همکاری آمار عمومی ملحق شد. به این ترتیب برای نخستین بار در ایران، سازمانی که به طور انحصاری وظیفه جمع‌آوری آمار را به عهده داشت تأسیس گردید. این سازمان در سال ۱۳۳۴ به وزارت کشور وابسته شد و اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن را در سال ۱۳۳۵ اجرا کرد.

براساس قانون مصوب سال ۱۳۴۴ اداره آمار عمومی از وزارت کشور منتزع و با نام جدید مرکز آمار ایران به سازمان برنامه و بودجه سابق ملحق گردید. هم اکنون مرکز آمار ایران تنها متولی انجام سرشماری عمومی نفوس و مسکن و جمع‌آوری اطلاعات جمعیتی و پردازش و انتشار آنها در کشور می‌باشد.

۳-۱. موقعیت و مشخصات طبیعی ایران

۱-۳-۱. موقع جغرافیایی

موقعیت جغرافیایی ایران نشان می‌دهد که تمام خاک این کشور در منطقه معتدله کره زمین واقع شده و در حدود ۱/۵ درجه از مدار رأس‌السرطان که حد شمالی منطقه بین‌المدارین حاره را معین می‌کند بالاتر است. محدوده فعلی ایران بخش بزرگی از فلات ایران است که از شمال غرب به جلگه ارمنستان و از جنوب شرقی تا جلگه سند، از جنوب غربی تا حوضه دجله و فرات و از شمال شرقی تا سیر دریا در آسیای مرکزی، یعنی اینکه از آسیای صغیر در مغرب تا هندوکش در مشرق امتداد دارد. از نظر وسعت یکی از کشورهای وسیع در جنوب غرب آسیا می‌باشد که از سمت شمال با کشورهای ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان و جمهوری خودمختار نخجوان، از غرب با کشورهای عراق و ترکیه و از شرق با کشورهای افغانستان و پاکستان هم‌مرز است. کشورمان در شمال از طریق دریای خزر با کشورهای روسیه و قزاقستان همسایه می‌باشد و از طریق خلیج فارس نیز با کشورهای عراق، کویت، عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات متحده عربی و عمان همسایه است. مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس با برخی از کشورهای ساحلی هنوز افزاز نگردیده است.

از نظر شکل هندسی ایران شبیه یک متوازی‌الاضلاع می‌باشد. اگر خطی مستقیم از آارات در شمال غربی به بندر گواتر در جنوب شرقی کشیده شود طول آن ۲۲۵۰ کیلومتر می‌باشد درحالی‌که خطی که از خرمشهر در خلیج فارس به سرخس در شمال شرقی کشیده شود طول آن از ۱۴۰۰ کیلومتر تجاوز نخواهد کرد. از نظر زمانی اختلاف ساعت بین شرقی‌ترین تا غربی‌ترین نقطه مرزی ایران حدود یک ساعت و هیجده دقیقه است (نقشه شماره ۱-۱).

ایران دارای ۷۸۱۷ کیلومتر مرز خشکی و آبی است که ۵۱۲۸ کیلومتر آن مرزهای خشکی و ۲۶۸۹ کیلومتر آن مرزهای آبی را تشکیل می‌دهند (عزتی، ۱۳۷۲، ص ۲۶).

۲-۳-۱. تقسیمات اداری - سیاسی کشور

تقسیمات اداری - سیاسی در ایران تاریخ چند هزار ساله دارد. حاکمان پیش از اسلام ایران برای کنترل و اداره بهتر سرزمین پهناور ایران تشکیلات اداری سیاسی گسترده ای

تدارک دیده بودند که داشتن نظام اداری- سیاسی یکی از ملزومات اصلی آنها بود. داریوش هخامنشی ایران را به بیست ساتراپی دارای خود مختاری تحت رهبری و نظارت حکومت مرکزی تقسیم کرد و هر یک را به یک ساتراپ (استاندار) داد تا آن را اداره نمایند. در دوره ساسانیان ایران به چهار کوست یا به تعبیر آن روز پاذگس (به معنای کشور بزرگ) که برخوردار از خود مختاری بود تقسیم شد و هر یک از آنها را تحت اداره یکی از اشرافزادگان قرار دادند. این چهار کوست بزرگ عبارت بودند از: کوست خراسان (خراسان بزرگ و کرمان)، کوست شمال (آذربایجان و ارمنستان)، کوست باختر (عراق و میان رودان) و کوست جنوب (فارس و خوزستان).

با سقوط حکومت ساسانی به دست اعراب مسلمان ساختار سیاسی- اداری کشور دگرگون شد. تا زمان صفویان تقسیمات اداری- سیاسی کشور از قاعده خاصی پیروی نمی کرد. در دوره صفویه ایران هویت فرهنگی جداگانه و استقلال سیاسی کامل خود را به دست آورد. صفویان یکپارچگی سیاسی باستانی ایران را تقریباً در چارچوب مرزهای ایران دوران ساسانی تجدید کردند. شاه عباس بزرگ صفوی کشور را به نوزده ایالت و بیگلریگی تقسیم کرد تا اداره آن به شکل صحیح صورت بگیرد (مجتهدزاده، عسگری، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲). مهمترین تقسیمات اداری- سیاسی کشور در تاریخ معاصر، پس از انقلاب مشروطه اتفاق افتاد. در سال ۱۲۸۵ اولین قانون تقسیمات کشوری به تصویب رسید که براساس آن کشور به ۴ ایالت با نام‌های: آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس و بنادر و خراسان و سیستان و ۱۲ ولایت با اسامی: استرآباد، مازندران، گیلان، زنجان، کردستان، لرستان، کرمانشاهان، همدان، اصفهان، یزد، عراق، خوزستان و داراخرافه تهران تقسیم گردید.

در ۱۶ آبان ۱۳۱۶ قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران به تصویب رسید که طی آن کشور به ۱۶ استان و پنجاه شهرستان تقسیم شد.

از سال ۱۳۱۶ تا سال ۱۳۲۵ هیچ گونه تغییری در استان‌های کشور ایجاد نشد ولی در سال ۱۳۲۵ بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات دولت استان‌های سوم و چهارم که در محدوده فعلی استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی قرار داشتند در هم ادغام شدند و تعداد استان‌های کشور به نه استان کاهش یافتند. هم‌زمان واحد جدیدی به نام فرمانداری کل به کار گرفته شد و اولین فرمانداری کل در بلوچستان

نقشه شماره ۱-۱. تقسیمات استانی ایران در سال ۱۳۸۵



شکل گرفت. در سال ۱۳۳۹ قانونی به تصویب رسید که براساس آن اسامی استان‌ها تغییر یافت و نام استان‌ها با توجه به سوابق تاریخی آنها تعیین و اعلام گردید. در نتیجه استان یکم به گیلان، استان دوم به مازندران، استان سوم به آذربایجان شرقی، استان چهارم به آذربایجان غربی، استان پنجم به کرمانشاه، استان ششم به خوزستان، استان هفتم به فارس، استان هشتم به کرمان، استان نهم به خراسان و استان دهم به اصفهان تغییر نام دادند. پس از این تحول به مرور استان‌های جدید در کشور ایجاد شدند و وضعیت فعلی پدید آمد.

از نظر سیاسی- اداری، ایران در حال حاضر (۱۳۸۷) دارای ۳۰ استان، ۳۶۳ شهرستان، ۹۲۰ بخش و ۲۴۳۰ دهستان می‌باشد.

۱-۳-۳. تقسیمات ناحیه‌ای ایران و ویژگی‌های جمعیتی آنها

بیشتر وسعت ایران را کوه‌های مرتفع دربرگرفته و ارتفاع متوسط کشورمان بیش از ۱۰۰۰ متر از سطح دریا می‌باشد. ایران اساساً شکلی کاسه مانند دارد که اطراف آن بلندتر از بخش‌های میانی است. دو رشته مهم البرز با جهت غربی شرقی و زاگرس با جهت شمال غربی - جنوب شرقی بخش اعظمی از سطح کشور را پوشانده‌اند. این دو رشته کوه با دارا بودن ارتفاعات فرعی اثر زیادی در اقلیم ایران داشته و نابه‌همگونی‌های زیادی به وجود آورده‌اند. ارتفاعات بالاتر از ۳۰۰۰ متر در کشور کم نیستند و در پاره‌ای نقاط ارتفاع بیش از ۵۰۰۰ متر نیز وجود دارد تأثیر ارتفاعات بر عوامل طبیعی دیگر مانند آب و هوا، کشاورزی و مکان‌گزینی جمعیتی واضح و آشکار است. بنابراین برای تبیین بیشتر ایران را به نواحی زیر تقسیم می‌گردد:

جلگه‌های پست و ساحلی دریای خزر

ارتفاعات شمالی

حوضه‌های شمال غربی

کوه‌های زاگرس و مرکزی

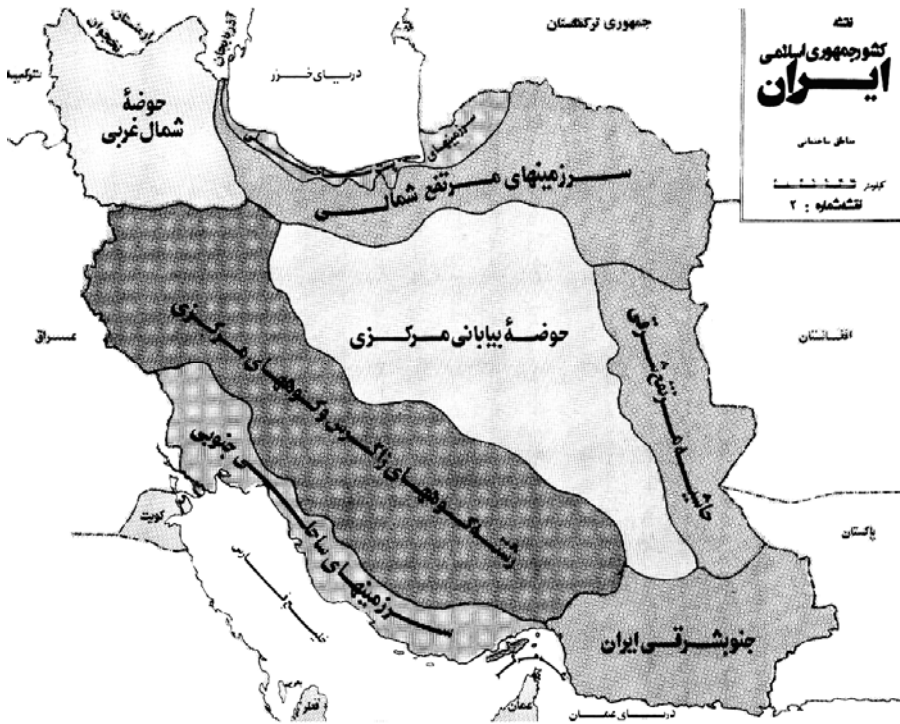
حوضه‌های بیابان مرکزی

جنوب خاوری ایران

ارتفاعات حاشیه شرقی

سواحل جنوبی (نظری، ۱۳۸۳، صص ۱۱ و ۱۳).

نقشه شماره ۱-۲ پراکندگی ناحیه‌ای جمعیت در ایران را نشان می‌دهد.



نقشه شماره ۱-۲. تقسیمات ناحیه‌ای جمعیت ایران

جلگه پست و ساحلی دریای خزر

این ناحیه تقریباً شامل استان‌های گیلان، مازندران و گلستان می‌باشد که در فضای بین رشته کوه البرز و دریای خزر قرار گرفته است. طول این نوار ساحلی ۷۰۰ کیلومتر و عرض آن بین ۲۵ تا ۳۵ کیلومتر متغیر است. تقریباً بیشتر از نصف ناحیه ساحلی دریای خزر پائین‌تر از سطح دریا قرار دارد. از نظر توپوگرافی این ناحیه از سواحل باتلاقی و جلگه‌ای که حاصل عمل سه جانبه آب، دریا و باد می‌باشد تشکیل شده است. این ناحیه دارای آب و هوای گرم و مرطوب است. در طول تابستان درجه حرارت بین ۱۰ تا ۲۰ درجه در نوسان است و در طول زمستان نیز درجه حرارت بالاتر از نقطه انجماد می‌باشد. میزان بارندگی در این ناحیه از سمت غرب به شرق دارای نوسان است و بیشترین بارش در غرب این ناحیه و هر چه به سمت شرق پیش برویم بارش‌های کمتری اتفاق می‌افتد.

شرایط اقلیمی مطلوب، خاک مناسب و حاصلخیز و آب کافی در آن موجب پیدایش سیستم کشت متمرکز گردیده است که محصولات چای، پنبه، توتون، ذرت و انواع مرکبات در آن به‌دست می‌آید. زمین‌های کشاورزی این ناحیه در سال ۱۳۸۲ حدود ۱۰۲۰۹۶۰ هکتار و معادل ۶/۲۹ درصد کل زمین‌های کشاورزی کشور بوده است (نتایج تفصیلی سرشماری کشاورزی، ۱۳۸۲).

در کنار فعالیت‌های کشاورزی، صنایع وابسته به این محصولات از قبیل بافندگی، شالی‌کوبی، چای‌سازی، کنسرو و کارخانجات روغن‌کشی در منطقه گسترش یافته است. از فعالیت‌های دیگر اقتصادی مردم منطقه اشتغال در فعالیت‌های ماهیگیری و مصنوعات حصیری می‌باشد. گرگان، رشت، ساری، بهشهر، چالوس و قائم‌شهر از مهمترین مراکز صنعتی این منطقه به شمار می‌آیند.

از نظر جمعیتی براساس سرشماری عمومی و نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ حدود ۹/۸۴ درصد کل جمعیت کشور را در خود جای داده درحالی‌که وسعت این ناحیه حدود ۴ درصد مساحت کل کشور است (جدول شماره ۱-۱).

میزان تراکم نسبی در این ناحیه ۱۰۲ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد. به‌طور میانگین ۵۲/۴۸ درصد از جمعیت این ناحیه در شهرها و ۴۷/۵۱ درصد در روستاها زندگی می‌کنند. این ناحیه جمعیتی، دارای ۶۰۷۸ آبادی است که فاصله متوسط آبادی‌ها با یکدیگر ۹ کیلومتر می‌باشد. مقایسه این ناحیه با سایر نواحی جمعیتی دیگر کشور بیانگر آن است که این بخش متراکم‌ترین ناحیه جمعیتی کشور محسوب می‌گردد.

تنها رودخانه بزرگ این ناحیه رودخانه سفید رود است که از کوه‌های چهل چشمه کردستان سرچشمه گرفته و رشته کوه البرز را قطع کرده و به دریای خزر می‌ریزد. این رود از تنگه طولانی بسیار تنگی می‌گذرد و مصب وسیعی را تشکیل می‌دهد و جلگه گیلان را مشروب می‌سازد.

حوضه‌های شمال باختری

این ناحیه جمعیتی به‌صورت چهارگوش نامنظمی است که شامل استان‌های آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل، قسمت زیادی از استان زنجان و شمال استان کردستان می‌باشد. این منطقه از نظر توپوگرافی خشن است به‌طوری‌که ارتفاع متوسط آن در حدود ۲۰۰۰